

جنگ ناهمتر از بالقوه بر علیه کشور و اقدامات بازدارنده متقابل بهروز رحمان زاده^۱

چکیده:

ماهیت وجودی جمهوری اسلامی ایران به سبب مغایرت و مخالفت با منافع غرب، تهدیدات آنان را بر علیه ج.ا. بدیهی کرده است. این فشارها و تهدیدات پس از دو دهه تلاش نافرجام، با استقرار گسترده آنان در کشورهای عراق و افغانستان در کنار فعالیت‌ها بر علیه فعالیت‌های صلح‌جویانه هسته‌ای ما شدت یافته است. آنچه مسلم است، در صورت بروز جنگ و مصاف با این دشمنان فرامنطقه‌ای، روی آوری به یک فناوری پیشرفته، دقیقاً افتادن به دامی است که آنان در پیش روی ما گسترده‌اند. بنابر این بهتر آن است که اصول، انتخاب شیوه‌ها و رویکردهای ناهمتر از منطبق بر توانایی‌های ویژه دفاع ملی، نیرو و قدرت رزمی خودمان به صورت عملیات و تاکتیک‌های خارج از نرم باشد، نه آنکه مبتنی بر روش‌های مورد نظر و منطبق بر انتظارات آن‌ها. اقدامات بازدارنده ما در مقابله با دشمن فرامنطقه‌ای در چندین حوزه می‌تواند صورت پذیرد. اقدامات ناهمتر از در حوزه بازدارندگی، که مانع از اعزام و شکل‌گیری نیروها می‌گردد (مانند: روش‌های تهدید به تحمیل خسارت). اقدامات اعمال فشار، آمیزه‌ای از تهدیدات نظامی و دیپلماسی علیه کشورهای همجوار منطقه‌ای (همگام دشمنان) است. در صورتی که اقدامات بازدارنده و اعمال فشار مانع از اعمال یک تهدید یا درگیری ناهمتر از در حدود منطقه آسیب پذیر نشود، باید اقدامات ضد استقرار را با ناامن کردن مناطق استقرار و مناطق پشتیبانی کننده آن‌ها شکل داد. وارد کردن بازیگران قدرت‌های منطقه‌ای به عرصه و نیز به کارگیری تاکتیک‌هایی مانند وارد نمودن آنان به یک عملیات محدود و غیرمنتظره نیز از جمله اقدامات بازدارنده محسوب می‌گردند.

کلید واژگان:

تهدیدات ناهمتر از، جنگ ناهمتر از، اقدامات بازدارنده، دشمن فرامنطقه‌ای

مقدمه

از اصطلاح «جنگ ناهمتراز» به کرات برای اشاره ضمنی به آنکه فقط ضعیفان از «جنگ ناهمتراز» بهره می‌برند، استفاده شده است. زیرا قدرت و توان حریف بزرگ جایی برای هیچ گزینه‌ای باقی نمی‌گذارد. اما این برداشت درستی نمی‌باشد. کلیه جنگ‌ها ناهمتراز هستند، قطعاً هم باید چنین باشد، چرا که هر دو طرف به دنبال ضعف دیگری است در حالی که نقاط آسیب‌پذیر خود را می‌پوشانند و از آن حفاظت می‌نمایند.

استقرار نیروهای فرمانطقه‌ای در نزدیکی مرزهای کشورمان همراه با تهدیدات و تحرکات مکرر دیپلماتیک بر علیه ما، ایجاب پیش‌بینی اقدامات بازدارنده و ممانعت از بروز جنگ را ضروری می‌نماید.

در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن معرفی مفهوم ناهمتراز و مشخصه‌های اصلی آن، در خصوص تهدیدات ناهمتراز پیرامونی کشورمان، اقدامات بازدارنده و راه‌های مقابله با آنان بحث، و نظراتی ارائه گردد.

تاریخچه جنگ

از ۵۰۰۰ سال قبل بود که جنگ به شکل رویارویی ارتش‌هایی متشکل از هزاران نفر درآمد. جنگ‌های بزرگ در قلمرو حکومت‌های ایران، یونان و روم باستان با لشکرکشی‌های بسیار وسیع صفحات تاریخ را پر کرده است.

از قرن شانزدهم بدنبال توسعه طلبی‌های دول اروپایی در مستعمرات سه قاره دیگر، جنگ‌ها با مقاومت‌های سرسختانه‌ای روبرو می‌شد که اغلب صدها سال به طول می‌انجامید و همواره جز در موارد استثنایی از قبیل (الجزایر، ویتنام، اتیوپی، افغانستان و...) در نهایت پیروزی با اروپاییان بود. به این نوع جنگ‌ها و درگیری‌ها "جنگ ناقص" اطلاق کردند که صفات مشخصه این جنگ‌ها بکارگیری نیروهای احتیاط، استفاده مؤثر از فناوری جدید و بی‌اعتنایی به اخلاقیات در ابعاد باور نکردنی بود. البته اشکال نامنظم آن به اصطلاح "چریکی" در غالب اوقات سد راه پیروزی سریع غربی‌ها تلقی می‌شد که نمونه‌هایی از آن در آمریکای لاتین، و آسیا دیده می‌شد. نکته جالب اینجاست که خود غربی‌ها گاه می‌شد با تکیه به این "جنگ‌های ناقص" یا جنگ‌های چریکی نامنظم، به نابودی کامل دشمنانشان اقدام می‌کردند.

این جنگ‌های به اصطلاح غربی‌ها ناقص، جزئی و محدود و ... را طرف‌های مقابل آنها «جنگ مردمی» می‌نامیدند چیزی که چین و ویتنام به آن منزلتی خاص در نبردها و رویارویی‌های متعارف بخشیدند.

هدف اساسی در «جنگ‌های مردمی» تسلط و حکمرانی بر یک کشور «با تسخیر قلب و ذهن مردم» است که همواره قدرت‌های بزرگ در آن قبل از نبرد بازنده بوده‌اند؛ حتی اگر به پیروزی‌های ظاهری اولیه دست می‌یافتند. این درسی بود که آمریکا به قیمت تحمل رنج‌ها و مشقات فراوان در جنگل‌های آسیا آموخت. ولی فراموشی تاریخی که نتیجه غرور و تکبر قدرتمندانه است آمریکا را این بار نه در جنگل‌های آسیا بلکه در شهرها و قصبات عراق به تحمل یادآوری کار سخت تسخیر قلب و ذهن مردم در «جنگ‌های مردمی» وا داشته است.

با نگرش و رویکردهای معاصر، استیون متز در مقاله "ناهمتراز و استراتژی نظامی آمریکا" (متز، سال: ۴۱) واژه عدم تقارن نخستین بار در سال ۱۹۹۵ در دکترین عملیات مشترک آمریکا به صراحت بکار برده شد. در سال ۱۹۹۷ در گزارش چهارساله بررسی دفاعی ایالات متحده مفهوم تهدید ناهمتراز مورد توجه جدی قرار گرفت:

"سلطه ایالات متحده در عرصه متعارف نظامی ممکن است دشمنان را تشویق کند تا از ابزار ناهمتراز برای حمله به نیروها و منافع ما در آن سوی دریاها و یا علیه شهروندان آمریکایی استفاده کنند" (تقاء، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰).

البته ذکر این نکته حایز اهمیت است که این چنین جنگی، یک جنگ نو و تازه نیست، بلکه در طی قرون متمادی، جنگجویان همواره به دنبال راهی و استفاده از روشی برای خنثی کردن، اجتناب و جلوگیری از اعمال قدرت دیگری در جنگ‌ها علیه همدیگر با تکیه بر نقاط قوت خود علیه نقاط ضعف دشمن بوده‌اند.

استراتژیست‌ها، جنگ ناهمتراز^۱ را به عنوان نبردی که از شکل هنجار و قاعده طبیعی خارج شده و از روشی غیر مستقیم برای تاثیر گذاری بر یک نیروی برتر و نامتعادل^۲ استفاده می‌کند، تعریف کرده‌اند (گرنج، ۱۳۸۵ ص ۱۸۲). جنگ ناهمتراز جنگی است که در آن، به منظور

^۱ - Imbalance Warfare

^۲ - Counter-Balancing

دستیابی به اهداف استراتژیک مورد نظر، نیروی تاکتیکی یا عملیاتی ضعیف خود را بر ضد نقاط آسیب پذیر دشمن بکار گرفته و با هدف تضعیف اراده و میل به جنگجویی او تأثیرات نامتجانس و نامتناسب بر جای می گذارد (تمنایی، ۱۳۸۲ ص ۳۹). ابعاد و جلوه‌های مختلفی از گستره جنگ‌های ناهمتر از در دو بعد آفندی یا مثبت و پدافندی یا منفی در یک دهه اخیر با رهبری و مدیریت نظامی آمریکا در حال شکل گیری و توسعه است که می توان نمونه‌های زیر را نام برد:

جنگ اطلاعات^۱، جنگ روابط عمومی^۲، جنگ رسانه‌ای^۳، جنگ مانوری یا رزمایشی^۴ و... به موازات گسترش رویکرد و دامنه جنگ‌های ناهمتر از در حیطه قدرت و توانایی‌های رزمی آمریکا به خاطر برخورداری او از جنگاوران هوشمند نسل چهارم و در اختیار داشتن برتری و تفوق در عرصه هوا، فضا، زمین و دریا، کشورها و دولت‌ها و حتی گروه‌های مخالف آمریکا به سوی رویکردها و تکنیک‌های ناهمتر از مطابق با توانایی‌های خود از قبیل: عملیات انتحاری (استشهادی)، تسلیحات کشتار جمعی، حملات اینترنتی، حملاتی به شیوه ۱۱ سپتامبر و جنگ درون شهری و... کشیده شده‌اند. اساس همه تقسیم بندی و استراتژی در نبرد ناهمتر از توجه به این نکته است که قدرت پدیده‌ای نسبی و وابسته به موقعیت‌هایی از قبیل زمان، مکان، سرعت و شرایط خاص است، که همه آن‌ها به عنوان اجزاء بغرنج و پیچیده غیر قابل تعریف و تشخیص برای کسب برتری و قدرت در شرایط مختلف می‌باشند. طرفی که در وضعیت ضعیف تر بر اساس "تئوری برتر تکنولوژیکی" قرار دارد می‌تواند حالت توازن و تعادل را با هوشیاری بالا و خلاقیت، غافلگیری، قابلیت انعطاف طبق "تئوری هوش سرشار" ایجاد نماید و این اساس و کلید برتری در یک جنگ ناهمتر از است.

مفهوم جنگ ناهمتر از

کلمه جنگ یا war مشتق از ریشه آلمانی "werra" به معنی ناسازگاری، نزاع و ستیزه است. احتمالاً با توجه به معنای کلمه werran به معنای مبهوت و سرگشته بود که کلاوزویتز پروس^۵ در قرن نوزدهم مفهوم ابهام جنگی^۶ را بکار برد (موسلی ۲۰۰۴ ص ۳).

- ^۱ - Information Warfare
- ^۲ - Public- Relations Warfare
- ^۳ - Soft war
- ^۴ - Maneuver Warfare

^۵ - نام سرزمینی که امروز بخش شرقی آلمان و بخش غربی لهستان را در بر دارد

- ^۶ - Fog of war

امروزه جنگ به مفهوم "مجموعه‌ای منسجم از اقدامات خصمانه سازمان یافته علیه دشمن" می‌باشد. این معنی و مفهوم از جنگ تا حدودی از تعریف جنگ کلاوزویتز که گفته "اقدامی خشونت آمیز برای وادار کردن دشمن به انجام خواسته ما کامل تر است چرا که مولفه خشونت آمیز بودن که بار معنایی برخورد فیزیکی دشمنانه را با خود دارد جای خود را به مولفه "خصمانه" که هم دربردارنده اقدامات فیزیکی و هم روانی علیه دشمن می‌باشد، داده است. و اما کلمه warfare ترکیب یافته از دو کلمه war و fare در زبان انگلیسی قدیم به معنی سفر و مسیر گذر، می‌باشد که هر دو با هم به مفهوم جنگ و نبرد می‌باشند و در فرهنگ لغات به عنوان مترادف کلمه جنگ یا war از آن یاد می‌کنند. اگر بخواهیم تفاوت اصولی میان war, warfare قائل شویم می‌توان چنین بیان کرد: که warfare فعالیت هدایت شده خصمانه علیه رقیب یا دشمن است که هدف آن لزوماً کشتن دشمن نمی‌باشد بلکه هدف آن تسلیم ساختن و مطیع کردن دشمن است. در این نوع فعالیت خصمانه نیاز به اعلان جنگ یا اعلام وضعیت جنگی نیست.

ناهمتراز واژه‌ای مشتق از ریشه یونانی Summetria در مقابل و مخالف کلمه همتراز، همگون، همساز و قرینه، بکار می‌رود که مفهوم خارج شدن از تعادل و موازنه را با خود به همراه دارد. در اصطلاح نظامی وقتی دو نیروی متخاصم که در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند در وضعیتی نابرابر و ناهمگون از لحاظ فناوری، اطلاعات، آموزش و روحیه قرار گرفته باشند به نحوی که طرف قوی‌تر از قابلیت‌ها، مقدرات، توانمندی‌های آفندی و دفاعی با کارائی رزمی بالا و تحرکات تاکتیکی مناسب‌تر از ضریب موفقیت و پیروزی بالاتری در یک نبرد رویاروی برخوردار باشد، اطلاق می‌شود.

سن تزو، جنگ آزمایی و رهبری نیروها در شرایط عدم تقارن را با راهنمایی و تعیین مشی نظامی خود به صورت زیر بیان کرده است (کی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۹).

وقتی که شما از تفوق نسبی ده به یک برخوردارید دشمن را محاصره کنید.

اگر نسبت پنج به یک به نفع شماست به دشمن حمله کنید.

در صورتیکه نسبت دو به یک به نفع شماست او را تقسیم و قطعه، قطعه کنید (باید دشمن را

وادار به تفرقه و تجزیه نیروهای خود کرد).

¹ - Symmetry

اگر نیروهای دشمن یا شما برابر باشد. می توانید درگیر نبرد شوید.
هنگامی که از نقطه نظر عددی دشمن بر شما برتری دارد. باید بتوانید مانور عقب نشینی را
ماهرانه انجام دهید.

اگر دشمن از هر لحاظ بر شما برتری داشته باشد. باید بتوانید همیشه خود را ماهرانه کنار
کشیده و جان خود را با مانورهای زیرکانه حفظ کنید واز درگیری مستقیم و روبرو شدن سینه به
سینه با او اجتناب کنید. زیرا یک ارتش کوچک برای ارتشی نیرومند لقمه مناسب و آسانی است
که براحتی بلعیده می شود.

مفهوم جنگ ناهمتر از در ادبیات نظامی:

استراتژیست‌ها، جنگ ناهمتر از^۱ را به عنوان نبردی که از نظم و هنجار طبیعی خارج شده و با
اعمال روشی مبتکرانه برای تاثیرگذاری بر یک نیروی برتر و نامتعادل^۲ استفاده می کند، تعریف
کرده اند. کنت مکنزی در کتاب جنگ ناهمتر از در سال ۲۰۰۰ میلادی آخرین تعریف را در باره
جنگ ناهمتر از به صورت زیر بیان کرده است:

"جنگ ناهمتر از جنگی است که در آن، به منظور دستیابی به اهداف استراتژیک مورد نظر،
نیروی تاکتیکی یا عملیاتی ضعیف خود را بر ضد نقاط آسیب پذیر دشمن بکار گرفته و با هدف
تضعیف اراده و میل به جنگجویی او تأثیرات نامتجانس و نامتناسب بر جای می گذارد. در این
جنگ با بکارگیری رویکردهای غیر قابل پیش بینی یا غیر معمول با تکیه بر نقاط قوت خود و نقاط
ضعف او از طریق تکنیک‌ها یا فناوری‌های غیر قابل انتظار و مبتکرانه برای خنثی نمودن یا تضعیف
قوای روحی دشمن استفاده می شود" (تمنایی، ۱۳۸۲ ص ۵۵).

البته این تعریف را می توان با تکمیل این قسمت از بیان مذکور یعنی "تکیه بر نقاط قوت خود
و بهره برداری از نقاط ضعف دشمن" به "استفاده از نقاط قوت او با تکیه به تئوری "هوش برتر"
در جهت آسیب رساندن به خود او" به شکلی جامع تر و کامل تر نیز بیان کرد. مبتکر و بوجود
آورنده جودو یعنی پروفیسور جیگارو کانو در سال ۱۸۸۱، اساس تکنیک‌های جودو را بر "استفاده

¹ - Imbalance Warfare

² - Counter-Balancing

جنگ ناهمتر از بالقوه بر علیه کشور و اقدامات بازدارنده متقابل..... ۵۱

از توان حریف به نفع خود^۱ قرار داد به نحوی که این روش از مبارزه می‌تواند الهامی برای نبردهای ناهمترازی شود که ضمن توجه ویژه به نقاط قوت دشمن در صدد استفاده و بکارگیری از آن‌ها به نفع خود باشد به عبارت دیگر، حمله را از نقاطی آغاز کند که دشمن در آن موضع؛ احساس قدرت می‌کند. چون بیشترین آسیب را در نقطه حداکثر قوت و قدرت می‌توان به دشمن اعمال کرد که در صورت وارد کردن آسیب، بیشترین ضربه متوجه دشمن خواهد شد. و این همان اصل "حصول تاثیر نامتناسب و استراتژیکی" در یک نبرد ناهمتر از خواهد بود. حال با توجه به این مطلب، معنای این جملات سن تزو بهتر فهمیده می‌شود که گفته: "وقتی نیروهای دشمن وحدت دارند، آن‌ها را از هم متفرق کن. از جایی که آماده نیست از همان طرف او را مورد حمله قرار بده و از جایی که انتظار ندارد تو را ببیند (جهت حمله و تهاجم) ظاهر شو. (گیلس، ۱۹۱۰ص ۷۱)

ضرورت طرح مجدد جنگ ناهمتر از در قرن حاضر

از اساسی‌ترین تحولات مقارن پایان قرن بیستم و دگرگونی عمیق در عرصه بین‌المللی با شکل‌گیری نظام تک قطبی پس از پایان جنگ سرد و ظهور عصر رقابت‌های اطلاعاتی، برای ایجاد نظام جدید سلطه و برتری‌های همه‌جانبه آمریکا برای بهره‌برداری حداکثر از شرایط موجود، فرو ریختن مفاهیم کهن و کلاسیک ناهمتر از برای ایجاد قواعد جدید درگیری نظامی منطبق با شرایط پیش آمده ضرورت طرح مباحث بدیع و تازه را ایجاب کرد. تا در فضای ایجاد شده ملت‌ها بتوانند برای دفاع از حریم‌های خصوصی و حاکمیت ملی و منافع خاص خود در شرایط نابرابر و نامتوازن موجود مجال طرح استراتژی‌های دفاعی منطبق با توانایی‌های خود را بیابند. این بود که به طور اجتناب ناپذیری، استراتژی و دکترین جنگ در شرایط عدم تقارن و ناهمترازی را پذیرفتند.

از مباحثی که به طرح دوباره جنگ ناهمتر از دامن زد؛ تحول جنگ‌ها از نوع سوم آن به نوع چهارم آن با نام "جنگ‌های نوین نسل چهارم"^۲ می‌باشد.

یکی از نکات جالب توجه در خصوص جنگ‌های نوین نسل چهارم، تاکید بر ناهمترازی به جای نامتعارف بودن آن است. نسل سوم یا عصر مانور و تاکتیک‌های غیرخطی نفوذ به جبهه دشمن با تاکتیک‌های غیر خطی و عصر ظهور حملات برق آسا بود که اوج آن شروع جنگ

^۱ - use of the enemy's strengths against itself.

^۲ - Fourth Generation Warfare

جهانی دوم بوده است. نسل چهارم یا عصر واحدهای عملیاتی مستقل کوچک جنگی فاقد جبهه معین و مشخص نظامی و همچنین مرزبندی آشکار میان صلح و جنگ و حتی شخصی و نظامی نه تنها مشتمل بر اقدامات خصمانه نظامی، بلکه جنگی است با زمینه تهاجم فرهنگی و ایدئولوژی که با توجه ویژه به عدم تقارن و تهدیدات ناهمتر از همراه است.

عصر جنگ‌های ناهمتر از: ویلیام لند در فوریه سال ۲۰۰۴ حضور جنگ‌های نسل پنجم را همزمان با طرح مسئله انقلاب در امور نظامی^۱ و همچنین گسترده شدن موضوع تسلیحات مبتنی بر نانو تکنولوژی^۲ در حوزه ادبیات نظامی، رسماً اعلام کرد. دقت و سرعت و ابهام در جهت از مشخصه‌های بارز تسلیحات نانویی می‌باشد. مشخصه بارز جنگ‌های نسل چهارم، شکل‌گیری جنگ ناهمتر از در متن آن به دلایل خاصی است که به صورت زیر تحت عنوان ویژگی‌های جنگ‌های نسل چهارم ذکر شده است:

(۱): استراتژیکی یا راهبردی

(۲): عملیاتی

(۳): تاکتیکی

از منظر این تقسیم‌بندی جنگ‌های نسل چهارم از لحاظ عملیاتی و تاکتیکی در فضای فیزیکی عقبه‌ی دشمن، ولی از لحاظ راهبردی بر مردم و اهداف غیرنظامی و توده‌ها متمرکز شد. در جنگ‌های نسل پنجم تمرکز همچنان به عقبه باقی مانده اما نه با مرزبندی مشخص، بلکه با نوعی تلاشی از درون توسط حمله از راه دور اطلاعات پایه یا دانش محور. در واقع هدف اصلی این نسل از جنگ، اراده‌ی نیروها و آنچه که در مغز آنهاست، می‌باشد. (السن، ۱۳۸۴ ص ۴۰۱)

ارتباط مفاهیم جنگ‌های ناهمتر از با نامنظم و چریکی

نیروهای نامنظم از طریق جنگ چریکی می‌کوشند تا با اجرای عملیات جنگ و گریز در نقاط تحت کنترل دشمن ناتوانی او را برای حفاظت از منابع و دفاع از جان غیر نظامیان به نمایش بگذارند. آن‌ها تصرف نقاط استراتژیکی را از موازنه جنگ حذف می‌کنند تا از این طریق نقطه

¹ - RMA: Revolution In Military Affair

² - Nanotechnology

جنگ ناهمتر از بالقوه بر علیه کشور و اقدامات بازدارنده متقابل..... ۵۳

قوت نیروهای منظم دشمن یعنی احاطه و تسلط بر نقاط کلیدی را بی‌اهمیت نمایند. در حالی که حمله به نقاط استراتژیکی دشمن از اهداف جنگ ناهمتر از به شمار می‌روند.

استراتژی نیروهای نامنظم تحریک افکار عمومی بر علیه دشمن است. بنابراین اهمیت موفقیت‌های سیاسی در نظر آن‌ها به اندازه پیروزی‌های نظامی با ارزش است که در این وجه می‌توانند با جنگ‌های ناهمتر از اشتراک قلمرو داشته باشند (محمدی نجم، ۱۳۷۸ ص ۹۵).

جنگ‌های نامنظم نظر به برخورداری از ماهیت نیمه آشکار، مخفی و یا غیرمنتظره‌ای که دارند می‌توانند اگر منطق بر اصول و ویژگیهای جنگ ناهمتر از باشند در طبقه بندی جنگ‌های ناهمتر از قرار گیرند.

ویژگی‌ها و مشخصه‌های جنگ ناهمتر از

برای جنگ ناهمتر از مثل هر رویکرد دیگر، مشخصه‌ها و ویژگی‌های وجود دارد که می‌تواند به عنوان وجه افتراق و تفاوت، در کاربرد و بکارگیری شیوه‌های مختلف آن در نظر گرفته شوند.

این مشخصه‌ها در پی اهدافی که از نتایج جنگ ناهمتر از متصور است شکل می‌گیرد و اساس آن بر هم زدن موازنه همترازی بین دو نیروی متخاصم ناهمگون در راستای بهره‌برداری استراتژی از قابلیت‌های تاکتیکی می‌باشد. نتیجه نهایی آن، نقصان اراده و عزم به ادامه نبرد در طرف برخوردار از همترازی مثبت خواهد بود. ممکن است این رویکردها تاکتیکی باشد ولی باید تاثیر روانی آن را باید در سطح استراتژیک جستجو کرد. این ویژگی یعنی تمرکز مداوم بر تاثیر استراتژیک مشخصه اصلی و متمایز جنگ ناهمتر از است (تمنایی، ۱۳۸۲ - ص ۱۸).

از لحاظ هدف، ویژگی تهدیدات ناهمتر از در بردارنده اقدامات غیرمنتظره‌ای است که پاسخ به آن‌ها عجولانه و منطبق بر یک سری اصول و برآورد منطقی نمی‌باشد. تهدیدات ناهمتر از مؤثر پس از اجرا آثار تکان دهنده‌ای را در سامانه فرماندهی نیروهای مدافع ایجاد می‌کند به طوری که دستیابی آن‌ها به هدف اولیه شان را غیرممکن می‌سازد. میزان خسارتی که یک عملیات ناهمتر از مؤثر بر هدف مورد نظر وارد می‌آورد با میزان سرمایه گذاری مهاجم در منابع، زمان و هزینه متناسب نیست یعنی اینکه معمولاً این نوع عملیات صرف نظراً از سطح اجرای آن، تأثیر خود را در سطح استراتژیک نشان می‌دهد.

مشخصه‌های عمده‌ی جنگ ناهم‌تراز به شرح زیر می‌باشند:

تکرار ناپذیری

همه جا، همه وقت، همه کس، همه چیز

دامنه‌ی زمانی نامحدود

تنوع در شیوه و بکارگیری ابزار و تجهیزات

نامشخص بودن عامل زمان و مکان در جنگ نامتقارن (حذف محدودیت زمان و مکان)

روش‌های عملیاتی و تاکتیکی نامتعارف و غیرمرسوم

هدف قرار دادن اراده‌ی دشمن

دستیابی به تأثیر نامتناسب در کلیه سطوح جنگ (غافلگیری راهبردی - عملیاتی و تاکتیکی)

دشواری در تعیین کارآیی و ارزیابی به دلیل اصل عدم قطعیت و ابهام در نبرد نامتقارن

محدودیت در اتخاذ تصمیم و راهکار

قابلیت بازدارندگی

قابلیت ایجاد شبیح قدرت (القای آسیب مجازی)

عدم تناسب با ابزارها و روش‌های متعارف

افزایش هزینه در تأمین حداقل ضریب امنیت (تخصیص منابع و اعتبار نامتناسب)

نداشتن مرز و هسته‌ی معین جغرافیایی

پیچیدگی در اتخاذ راه حل‌های صریح و قاطع برای مقابله

ارزان و کم هزینه بودن در اجرا (صرفه جویی در تخصیص قوا)

قابلیت انعطاف‌پذیری مضاعف متناسب با هر زمان و مکان

عدم قابلیت شناسایی و رهگیری دقیق به دلیل سیال بودن و تحرک زیاد

بهره‌وری زیاد از اصول فریب و غافلگیری

برخورداری از پشتیبانی مردمی

ابهام‌سازی و ایجاد عدم قطعیت و اطمینان

عدم تناسب میان هزینه و نتایج

ضربه زدن دقیق عملیاتی (راهبرد حمله نقطه‌ای)

عدم وجود حمله‌ی سرنوشت‌ساز - همگرایی در حمله، واگرایی در دفاع

تهدیدات ناهمتر از و ماهیت آنها

تهدیدات ناهمتر از به "مجموعه اقدامات و تهدیدات مخاطره آمیز غافلگیر کننده ای گفته می شود که با بکارگیری ماهرانه آنها ضمن استفاده از "منابع اندک" با تکیه بر عامل "تأثیر نامتناسب" می توان "تأثیرات استراتژیکی" مبنی بر تغییر راهبردی دشمن را سبب شد (مکنزی، ۲۰۰۰، ص ۱۳۳).

تهدیدات ناهمتر از با اساسی ترین اصل عدم تقارن یعنی تضاد منافع شروع می شود. وقتی منافع حیاتی یک دشمن ضعیف با منافع غیر حیاتی یک کشور قدرتمند در تضاد قرار گیرد طرف ضعیف بیشترین انگیزه را برای استفاده از رویکردهای ناهمتر از دارد. طرف ضعیف می تواند از ۳ روش یا رویکرد ناهمتر از استفاده کند:

الف - تهدید به تحمیل خسارت نامتناسب به طرف قوی تر برای ممانعت از ورود این کشور به بحران هایی که دارای منافع حیاتی در آنها نیست.

ب - شرکت دادن نیروهای طرف قوی در یک عملیات محدود و غیرمنتظره که تناسبی میان گستردگی اعزام نیرو و سطح منافع حیاتی آنها ندارد که بنا به اصل «تأثیر سریع و نامتناسب» توقف یا خروج نهایی نیروهای طرف قدرتمند را موجب می شوند.

ج - وارد کردن بازیگران قدرت های منطقه ای به طور غیرمستقیم در اتخاذ غیر مستقیم استراتژی های تهاجمی که طرف قدرتمند را مجبور به دفاع در جبهه های متفاوت و وارد شدن به درگیریهای سیاسی و نظامی مستقیم و غیر مستقیم که تناسبی با میزان تهدیدات علیه منافع حیاتی آنها ندارد می کند (تمنایی، ۱۳۸۲، ص ۷).

نکته مهم و قابل توجه در این است که اگر منافع حیاتی طرف قدرتمند به خطر افتد امکان اجرای مؤثر رویکردهای ناهمتر از در سطح تاکتیکی از طرف ضعیف تر تا حد زیادی کاهش می یابد. و مرز منافع حیاتی را انسجام اراده ملی کشورها در توجه و حفاظت از امور خاصی که مستقیماً با امنیت و غرور ملی آنها ارتباط دارد مشخص می کند. به همین دلیل بود که تصمیم ژاپنی ها در سال ۱۹۴۱ برای دسترسی نامحدود به نفت و دیگر منابع طبیعی در جنوب شرقی آسیا، ناوگان مزاحم آمریکا مستقر در بندر پرل هاربر را مورد حمله شدید خود قرار می دهند آنها بدنبال استراتژی جنگی محدود با تجهیزات کم و اهداف محدود که همان دور کردن جنگ افزارهای

تهاجمی آمریکا در حیطه عملیاتی خود بودند غافل از آنکه آمریکا، مترصد بهانه برای ورود به جنگ با تمام قوا برای دستیابی به اهداف نامحدود توسط ابزار و تسلیحات دفاعی خود بودند. بنابراین پرل هاربر تبدیل به یک منافع حیاتی شد و ابزاری برای اعاده غرور و امنیت ملی آمریکا تعریف شد.

نکته و درس مهم این واقعه آن است که گاه ممکن است مرز بین منافع حیاتی و غیر حیاتی چندان واضح و روشن نباشد و یک تحلیل غلط و استراتژی نامناسب تهاجمی یک رویکرد محدود ناهمتراز را به یک جنگ نامحدود تمام عیار تبدیل کند که در این صورت آسیب جدی تر متوجه طرف ضعیف تر در جنگ ناهمتراز خواهد شد.

"کنت مکنزی" در کتاب "جنگ ناهمتراز" خود، روی آوری به رویکردهای ناهمتراز را برای تأثیرگذاری بر اراده دشمن با بکارگیری عامل روانی، عاملی برای جبران کمبود تجهیزات و ضعف قدرت تسلیحاتی و فناوری او به حساب می آورد. به دنبال این موضوع او بازگرداندن لنین را از تبعیدگاه خود در سوئیس به روسیه از طرف آلمانها برای سرنگونی حکومت تزارهای روسیه در سال ۱۹۱۷ اقدامی با رویکرد ناهمتراز از سوی آلمانها علیه روسیه تلقی می کند، که اتفاقاً مؤثر و کارساز شد. او دومین نمونه را، مربوط به اجرای تاکتیک کامیکازی از سوی ژاپنی ها با انجام حدود ۷۵۰۰ سورتی از جزیره کیوشو علیه ناوگانهای مهاجم آمریکایی، از نمونه های بکارگیری شیوه های ناهمتراز علیه دشمنان در زمانهای گذشته نه چندان دور، محسوب کرده است.

ماهیت تهدید ناهمتراز

پاسخ ناهمتراز نتیجه فرآیند اجتناب ناپذیر کنش و واکنش اقدامات دفاعی و گزینه های استراتژیکی، میان دو قدرت ناهمگون می باشد که جناح ضعیف تر برای بقای بیشتر و دفع یا خنثی سازی تهدیدات قوی تر، ناگزیر است به آنها رو بیاورد. به زبان دیگر، ماهیت تهدیدات ناهمتراز مدام در حال تغییر جهت انطباق به موازات قدرت دفاعی، میزان آسیب پذیری، اعمال روش ها و تاکتیک های عملیاتی طرف مقابل می باشد.

آنچه که ماهیت این تهدید را تشکیل می دهد نتیجه و منبعث از دو ویژگی زیر است:

الف: نگرش تاریخی ملت ها در نبردهای ناهمتراز

ب: شدت تهدید از سوی قدرت برتر

ملت‌ها در طول زمان برخی ویژگی‌های استراتژیکی را بروز می‌دهند که می‌تواند ابزار مناسبی برای پیش‌بینی نگرش آن‌ها نسبت به جنگ ناهمتر از باشد. به عنوان مثال آلمان‌ها گرایش به اتخاذ رویکردهای ناهمتر از علیه دشمنان بالقوه خود ندارند. محور کار آن‌ها در عملیات نظامی تأکید زیاد بر حمله به جناح‌های دشمن - آموزش افسران ارشد در کلیه سطوح و نهادینه کردن تاکتیک ماموریت محور به گونه‌ای که یگان‌های کوچک را ترغیب به ابتکارات مستقل می‌نماید. در حالیکه در ژاپن استفاده از گروه‌های کوچکی از جنگجویان که به صورت نیمه مستقل به قلب نیروهای دشمن حمله می‌کردند، سابقه کهن تاریخی دارد (تمنایی، ۱۳۸۲- ص ۲۱).

علیرغم آنکه برخی معتقدند ماهیت روابط بین‌المللی و گرایش جوامع آزاد به جنگ، توانایی آن‌ها را برای به کارگیری حداکثر زور در برابر تهدیدات احتمالی کاملاً محدود می‌سازد ولی آمریکایی‌ها امروز به استراتژی آنتی‌ها که همان بکارگیری قدرت نامحدود علیه دشمن ضعیف است، معتقدند. به شرط آنکه در آن نبرد برای خود منافع حیاتی قایل باشند که نمونه‌های آنرا در جنگ با ژاپن، افغانستان و جنگ اول و دوم عراق شاهد بودیم.

نقطه مقابل بیش آنتی (استفاده از قدرت نامحدود علیه دشمنان ضعیف)، گفتمان میلانی^۱ یا (در سطوح مشخصی از درگیری، این کشور ضعیف است که آنچه را در توان دارد انجام می‌دهد و طرف قوی است که مجبور است، تاوان آنرا بپردازد) می‌باشد.

آمریکایی‌ها چرخه کنش و واکنش میان تهدیدات و فرصت‌های خود را به نفع خود می‌دانند. چون مدام در حال ارزیابی تهدیدات و ایجاد فرصت‌هایی برای حمله و اعمال رویکردهای ناهمتر از خود حداقل در حوزه روان‌شناختی می‌باشند. سرهنگ کیائولیانگ (چینی) در کتاب خود به نام جنگ نامحدود^۲، این نکته را متذکر شده که روی آوری بر یک فناوری پیشرفته در مصاف با آمریکا دقیقاً افتادن به دامی است که آمریکاییان در پیش روی دشمنان خود گسترده‌اند. به همین دلیل تعریف گسترده جنگ ناهمتر از در حیطه و حدود توانایی تکنولوژیکی و فناوری یک تعریف مورد نظر آمریکایی هاست. (تمنایی، ۱۳۸۲ ص ۶۹).

^۱ - Melian Dialogue

^۲ - Non limited warfare

بنابر این بهتر آن است که اصول، انتخاب شیوه‌ها و رویکردهای ناهمتر از ملت‌ها، منطبق بر توانایی‌های ویژه دفاع ملی، نیرو و قدرت رزمی خود آن‌ها باشد، نه آنکه مبتنی بر روش‌های مورد نظر و منطبق بر انتظارات آن‌ها شکل گیرد، بلکه باید عملیات و تاکتیک‌های خارج از نرْم و معیار رفتارهای دفاعی در پیش بگیرند.

بازدارندگی:

وقتی که از بازدارندگی صحبت می‌کنیم با مسأله‌ای روبه‌رو می‌شویم که بخش زیاد ادبیات آن از موضع هسته‌ای نشأت می‌گیرد که ویژگی جنگ سرد است. مفهوم بازدارندگی (متقاعد نمودن دشمن به این که با توسل به یک راه کار مثل مداخله نظامی، فایده‌ای در بر ندارد) یک مفهوم جدید نیست ولی در مراجعه به ادبیات حاضر در می‌یابیم که نیاز به بازدارندگی حول تفکر خردگرایی محض می‌چرخد و معمولاً حول مدل‌های غربی تحلیل هزینه-سود یا صرفه اقتصادی می‌باشد. عاملی که معمولاً بازدارندگی را از نظر عملیاتی پیچیده می‌کند به معنی ایجاد مشکل در بازداشتن کشورها از یک رفتار ویژه، بیشتر فرهنگی است. دیدگاه غرب از جنگ به عنوان یک آلترناتیو برای مذاکره است ولی اکثر جوامع غیر غربی جنگ را به عنوان یک فرایند مذاکره می‌دانند. قدرت صدمه زدن بیشتر از قدرت نظامی، بیان‌گر قابلیت بالای نظامی است و این درد و خشونت است و نه نیرو یا زور، به معنای سنتی آن، که مشخصه چنین قابلیت می‌باشد. بازدارندگی تهدید به شکست دادن دشمن در صورت عبور از مرزها نیست بلکه آسیب رساندن به اوست. بازدارندگی در این وضعیت فراتر از عبور از مرزهای علم ارباب است. قبل از این که بحران کویت شروع شود و درست یک هفته قبل از اشغال کویت صدام حسین به اپریل گیل اسپی^۱ سفیر آمریکا در عراق گفت، "جامعه شما پسند نمی‌کند که در یک جنگ ده هزار نفر کشته شوند". مشابه این حرف را میلو شوویچ به وزیر خارجه آلمان ژوسکا فیشر قبل از جنگ کوزوو گفت: که من می‌توانم کشته‌های زیادی را تحمل کنم اما شما نمی‌توانید. هر دو می‌خواستند دشمنان خود را بترسانند. برخلاف بازدارندگی هسته‌ای، بازدارندگی ناهمتر از عقلانی نیست، می‌تواند یک بلوف و

¹ - April Gillespie

جنگ ناهمراز بالقوه بر علیه کشور و اقدامات بازدارنده متقابل..... ۵۹
لافزنی باشد ولی الزاماً به این معنی نیست که در آینده موفق نخواهد شد. (تمنایی، ۱۳۸۴،
ص ۳۸۲)

مختل سازی:

بهترین چیز بعد از اینکه بازدارندگی کارگر نیفتاد، مختل کردن عملیات دشمن به خصوص در مرحله انباشت نیروها است که می تواند مقداری از زمان او را بگیرد. این راه کار دقیقاً در جنگ اول عراق برای صدام باز بود ولی از آن استفاده نمود. نخبگان نظامی تصدیق نموده بودند که حداقل در طول چهار هفته از ماه آگوست ۱۹۹۰ او می توانست حمله ای را به عربستان آغاز نموده و بنادر جیبیل، دمان و ظهران را اشغال نماید یعنی همان بنادری که اکثر تدارکات نیروهای ائتلاف از آن مسیرها منتقل شد.

تنها واحدی که در تمام شرایط برای دفاع از بنادر ماموریت داشت لشکر ۸۲ هوابرد (عربستان) بود ولی قدرت آتش این لشکر خیلی پایین و آهنگ حرکت آن خیلی محدود بوده و قادر به در هم کوبیدن حمله های بزرگ نبود. در صورت ناتوانی این لشکر، نیروهای ائتلاف مجبور می شدند برای کنترل عملیاتی بنادر جده و یامبو در ساحل دریای سرخ در نقطه مقابل، آن طرف ساحل در وسعت محدود آب های پرترافیک و مملو از کشتی های بازرگانی که از نظر جغرافیایی یک سر آن دریا توسط یمن، یکی از متحدین عراق کنترل می شد، دست به اجرای عملیات بزنند. (تمنایی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۳)

راه کار دیگری که عراق می توانست از آن استفاده زیادی ببرد، حربه استفاده از ترور بود. حربه ای که صدام وعده حمله تروریستی به غرب را داد ولی هرگز عملی ننمود. یکی از دلایل آن حمایت اعضای ائتلاف مانند سوریه بود و دلیل دیگر فقدان فرصت برنامه ریزی بود. فرصت زمانی بسیار کوتاه بین زمان به وجود آمدن بحران و شروع جنگ، بسیاری از گروه های تروریستی را که در عدم آمادگی برای اجرای عملیاتی که با پشتیبانی بغداد می خواستند اجرا کنند، قرار داد. (تمنایی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۳)

نهایتاً، عراق توانایی تهدید قسمت های بسیار آسیب پذیر نیروهایی را که درگیر انباشت نظامی بودند را نداشت مانند ابزارهای قدرت نمایی تولید نیروف ناوهای هواپیمابر، ترابری دریایی،

کشتی‌های تجاری بدون اسکورت، ترابری هوایی استراتژیک، عراق موشک‌کروز ضد کشتی نداشت. گرچه او دارای مین بود ولی با این مین‌ها با توجه به حضور آمریکایی‌ها وقتی که عملیات آب‌خاکی را برای حمله به کویت آغاز نمودند، قابل توجه نبود. پایین بودن فرسایش رزمی مانند از دست دادن یک ناو هواپیمابر احتمالاً تاثیر عملیاتی کمتری دارد ولی عملیات زیرزمینی و مخفی علیه پایگاه‌های هوایی و بنادر می‌تواند سبب فرسایش واقعی و قابل توجه و به یقین سبب از بین رفتن عزم ائتلاف می‌شد. (تمنایی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۴)

حزب... لبنان قادر به برابری با قدرت هوایی اسرائیل را نداشت بنابراین موشک‌های استینگر را علیه آنان به کار برد تا آنها را وادار کند برای حفظ جان خلبانان خود و تاثیرگذارتر از هواپیماهای بدون سرنشین بیشتری استفاده کنند. حزب... پس از آن به تسلط و سلطه هوایی اسرائیل با استراتژی افقی، اقدام تلافی‌جویانه علیه بمباران‌های هوایی در خانه از طریق عملیات ترور در دوردست‌ها مثل عملیات علیه اسرائیلی‌ها در بوئینس آیرس پاسخ دادند. بمب‌گذاری در مرکز فرهنگی یهودی‌ها در آرژانتین در سال ۱۹۹۶ باعث شد که اسرائیل از هدف قرار دادن مستقیم رهبران حزب... صرف نظر کند. بنابر این می‌توان گفت که هدف جنگ ناهم‌تراز شکست دادن قدرت برتر نیست بلکه مطمئن نمودن آنها مبتنی بر مشروط بودن پیرویشان است. (تمنایی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۸)

نتیجه گیری:

جنگ ناهمتراز پدیده یا رویکرد جدیدی نیست که خاص کشور ما باشد. همواره ناهمترازی وجود داشته ولی امروزه ما شاهد شکل گیری شیوه‌های نو از آن‌ها هستیم. سابقه این نوع جنگ به قرن‌ها پیش برمی‌گردد، ولی تاکتیک‌ها و تکنیک‌های آن در حال تحول و دگرگونی می‌باشد. هر وقت دو نیرو با هم عدم برابری فاحش داشته باشند آنچه که وجود دارد "صحنه ناهمتراز" است. وقتی دو نیرو از لحاظ توانایی‌های نظامی و پشتیبانی دارای عدم تجانس یکی کاملاً قوی و دیگری کاملاً ضعیف باشد نیرو و فضای عملیاتی ناهمتراز را تشکیل می‌دهد. اما جنگ ناهمتراز صرفاً به مفهوم نبرد بین قوی و ضعیف نیست، بلکه نبرد بین دو نیروی ناهمگن با توانایی‌ها و ظرفیت‌های نظامی متفاوت است. به تعریف دیگر جنگ ناهمتراز را می‌توان نبرد میان دو توده متخاصم با استفاده از تدابیر ابتکاری و متهورانه و ابداعات فناورانه تعریف نمود، به گونه‌ای که به واسطه آن دشمن از مزیت‌های اصلی خود محروم گردد. ناهمترازی، پرداختن به حوزه ناشناخته‌ها می‌باشد. رویکردی برای ناشناخته‌هایی که دشمن فکرش را نکند.

مطالعه تاریخ جنگ‌ها بر این نکته صحه می‌گذارد که تقریباً همه طرف‌های درگیر دارای یک یا چند وجه از وجوه ناهمترازی بوده‌اند و تمام تلاش آن‌ها در این خلاصه می‌شد که از شرایط ناهمترازی به نفع خود سود ببرند. پیروزی همواره از آن کسانی بوده است که توانسته بوده‌اند با تکیه بر وجوه افتراق و خود بر دشمن تأثیری استراتژیکی اعمال کنند و جنگ را در راستای اهداف خود به پیش ببرند. این ناهمترازی گاه در اراده و روحیه جنگاوری و ایمان به هدف و حتی نهراسیدن از شکست تاکتیکی و کشته شدن جلوه‌گری می‌کرد و گاه در برتری فیزیکی جنگ از لحاظ برتری قوا، ابزار و تسلیحات.

در جنگ ناهمتراز روی آوری بر یک فناوری پیشرفته در مصاف با دشمن فرامنطقه‌ای دقیقاً افتادن به دامی است که آنان در پیش روی ما گسترده‌اند. بنابر این بهتر آن است که اصول، انتخاب شیوه‌ها و رویکردهای ناهمتراز منطبق بر توانایی‌های ویژه دفاع ملی، نیرو و قدرت رزمی خودمان باشد، نه آنکه مبتنی بر روش‌های مورد نظر و منطبق بر انتظارات آن‌ها شکل گیرد، بلکه باید عملیات و تاکتیک‌های خارج از نرْم و معیار رفتارهای دفاعی در پیش گرفته شود. آنچه مسلم است، این که توان بالای ماشین جنگی و اتحاد نظامی و همین‌طور پشتیبانی اقتصادی مانع از مقابله

متعارف و کلاسیک با آنان می‌شود. از آنجایی که نیروهای نظامی ما همانند هر ارتشی در جهان، برای جنگ کلاسیک سازماندهی گردیده، لاجرم باید در مقابله با قدرت ناهمتر از به دنبال شیوه‌های دیگر بود تا بتوان نیروهای دشمن را از تعادل ناهمتر از آن خارج نمود. اما این بدان معنا نیست که توانمندی کلاسیک خود را رها کنیم بلکه باید با بکارگیری کلیه پتانسیل‌های موجود قدرت دفاعی و همه‌اهرم‌های قدرت ملی اعم از جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، نیروهای بسیج و ... کشور، آنها را در یک قالبی جدید و ابتکاری با الگوهای مبتکرانه و غیر کلاسیک استفاده کنیم. در نهایت این که به موازات فعالیت‌های بازدارنده دیپلماتیک از سوی سیاسیون، در عرصه نظامی ضمن حفظ آمادگی دفاعی با استفاده از تمامی قابلیت‌ها و توانمندی‌ها، با اقدامات بازدارنده زیر اندیشه تعدی به سرزمین اسلامی مان را از دشمنان سلب نماییم.

روش‌های تهدید به تحمیل خسارت: این اقدامات مانع از اعزام و شکل‌گیری نیروها و یا ارسال کمک‌های نظامی و سیاسی به منطقه و قلمروی دفاعی کشور می‌گردد. قبل از این که بحران کویت شروع شود و درست یک هفته قبل از اشغال کویت صدام حسین به اپریل گیل اسپی^۱ سفیر آمریکا در عراق گفت، "جامعه شما پسند نمی‌کند که در یک جنگ ده هزار نفر کشته شوند". مشابه این حرف را میلو شوویچ به وزیر خارجه آلمان ژوسکا فیشر قبل از جنگ کوزوو گفت: که من می‌توانم کشته‌های زیادی را تحمل کنم اما شما نمی‌توانید. هر دو می‌خواستند دشمنان خود را بترسانند. برخلاف بازدارندگی هسته‌ای، بازدارندگی ناهمتر از عقلانی نیست، می‌تواند یک بلوف و لاف‌زنی باشد ولی الزاماً به این معنی نیست که در آینده موفق نخواهد شد.

اقدامات اعمال فشار: آمیزه‌ای از تهدیدات نظامی و دیپلماسی علیه آن دسته از کشورهای همجوار منطقه‌ای است که همسو با دشمنان ما گردیده‌اند. این اعمال مانع از صدور مجوز ایجاد پایگاه‌های نظامی در خاک آنها و یا واگذاری پایگاه‌های نظامی به کشورهای فرامنطقه‌ای می‌شود. در صورتی که اقدامات بازدارنده تهدید به تحمیل خسارت و اعمال فشار مانع از اجرای یک تهدید یا درگیری ناهمتر از در حدود مناطق آسیب پذیر نشود، باید طرح‌ریزی و اجرای اقدامات ضد استقرار را با ناامن کردن مناطق استقرار و مناطق پشتیبانی کننده آنها شکل داد.

¹ -April Gillespie

مختل سازی: بهترین چیز بعد از اینکه بازدارندگی کارگر نیفتاد، مختل کردن عملیات دشمن به خصوص در مرحله انباشت نیروها است که می تواند مقداری از زمان او را بگیرد. این راه کار دقیقاً در جنگ اول عراق برای صدام باز بود ولی از آن استفاده ننمود. نخبگان نظامی تصدیق نموده بودند که حداقل در طول چهار هفته از ماه آگوست ۱۹۹۰ او می توانست حمله ای را به عربستان آغاز نموده و بنادر جیبیل، دمان و ظهران را اشغال نماید یعنی همان بنادری که اکثر تدارکات نیروهای ائتلاف از آن مسیرها منتقل شد.

وارد کردن قدرت های منطقه ای به عرصه مخاصمه: ورود این کشورها به میدان، دشمنان را مجبور به دفاع در جبهه های متفاوت و وارد شدن به درگیری های سیاسی و نظامی مستقیم و غیر مستقیم می نماید. این موضوع در کنار هزینه های فراوان، اصطکاک زیادی بر برنامه های آنها وارد می سازد که قطعاً از آن اجتناب خواهند ورزید و این همان بازدارندگی مد نظر ما می باشد.

شرکت دادن نیروهای دشمن در یک عملیات محدود و غیرمنتظره: در صورت بروز جنگ با تاکتیک هایی مانند شرکت دادن نیروهای دشمن در یک عملیات محدود و غیرمنتظره که تناسبی میان گستردگی نیروی اعزامی و سطح منافع حیاتی آنها ندارد، بنا به اصل « تأثیر سریع و نامتناسب » می توان توقف یا خروج نهایی نیروهای فرامنطقه ای را موجب شد.

فهرست منابع:

- ۱- السن، جان آندرسن، ۱۹۶۸، جنگ نامتقارن، نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۴
- ۲- پیترز جان، معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی، مترجم سید حسین محمدی نجم، نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸
- ۳- سن تزو، هنر جنگ، ترجمه محمود کی، تهران ۱۳۵۸
- ۴- مکنزی کنت، جنگ ناهمتراز، مترجم عبدالمجید حیدری، محمد تمنایی، تهران، ۱۳۸۲
- ۵- هیبلزگری کریس، جنگ پست مدرن - سیاست نوین درگیری، ترجمه احمد رضا تقاء، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۱

- 6- Asymmetry and US Military Strategy Steven Mets and Douglas V. Johnson jun 2001
- 7- How the Wak win Wars – By: Ivan Arreguin – toft - 200International Security, Vol. 26, No. 1 (Summer 2001)
- 8-Clausewitz - On War) 1832 (6- The Threat Of Asymmetrical Warfare And Canada's Readiness by: colonel C. M. Hazelton
- 9-National Strategy Forum Review Winter 2000 Asymmetric Warfare: Old Method, New Concern by: David L. Grange
- 10-National Strategy Forum Review Winter 2000 Asymmetric Warfare: Old Method, New Concern by: David L. Grange
- 11-Patterns of Conflict by: pilot col. June Boyd. 1982
- 12-Sun Tzu (Giles, 1910, Ch. 1) 1997 Robert H. Allen ASYMMETRIC WARFARE: IS THE ARMY READY ?
- 13- The internet Encyclopedia of philosophy – the philosophy of war by alex Moseley- 2004
- 14- William S. Lind, Colonel Keith 1989 by: The Changing Face of War Into the Fourth Generation